



نوشته ار حقوقدان سابقه دار و عضو انجمن محترم محمد آصف الم



روز سه شنبه دهم دسمبر ۲۰۱۹ روز بین المللی حقوق بشر است که از جانب سازمان ملل متحد همه ساله به تجلیل گرفته میشود و صد البته که این روز نه تنها روز تجلیل و بزرگداشت از یک روز جهانی است؛ بلکه روز تأکید و تبارز خواست های جوامع، سازمانها و نهاد های اجتماعی و سیاسی از رعایت و تمکین بر ارزشهای اولیه حقوق بشر و همشهری نیز میباشد.

برای وضاحت بهتر موضوع میخواهم نبشته ام را با یک مقدمه نسبتاً گسترده تری آغاز کرده و اوضاع جوامع بشری و به ویژه اروپا را قبل از تأسیس ملل متحد و نهاد حقوق بشر آن به بحث گرفته و اشاره مختصری نمایم تا خواننده گان محترم به سهولت دریابند که سازمان ملل متحد و سایر ارکان آن برای استقرار صلح در جهان و رفاه و آسایش بشریت نافع واقع گردیده است یا خیر؟ برای آن که بحث ما طویل و خسته کن نگردد، آمد و شد ها را با یاددهانی خیلی مختصر از زمانی پی میگیریم که در اروپا زنجیر اسارت کلیسا سست و ضعیف گشت و تحرک مردم برای یک دگرگونی آغاز یافت و اروپا از نیرو های تازه سرشار بود و قصه های مارکوپولو و تاجران اروپایی در باره درخشش تحریک کننده طلا و ثروت شرق چشم های ماجراجویان اروپایی را خیره ساخته بود. آری! هنگامیکه ترک ها قسطنطنیه را فتح کرده و راه های زمینی و دریایی مشرق را تحت تسلط خویش درآوردند، تاجران بزرگ اروپایی خشمگین گشته و ماجراجویانی که میخواستند به طلا و ثروت شرق دست یابند با ایشان همنوا گردیده و راه های تازه ای برای رسیدن به شرق طلایی را جستجو کردند.

اروپا که تا آنزمان بخاطر بندش راه های تجارتی در صدف خود محصور مانده بود، اما با استخدام کولامبوس و واسکودوگا ما از جانب اسپانیا و پرتغال برای کشف راه های دریایی، این صدف ترک برداشت و شکست و راه های بحری به جانب شرق و غرب باز گردید و حتی مجیلان و همراهانش خود را از طریق قاره آمریکا و بحرالکاهل به فلپین رسانیده و عملاً کروییت زمین را به اثبات رسانیدند و یواش یواش سرازیر شدن ثروت حیرت انگیز قاره آمریکا و مشرق زمین به اسپانیا و پرتغال، اروپا را خیره ساخت و موجب سرعت تغییرات گشت.

تا زمانیکه اسپانیا و پرتغال در قرن ۱۶ حاکم بحر و بر بودند، کشور های آمریکای لاتین و بعضی از کشورهای شرقی را غارت کردند و در قرن ۱۷ که این سیادت به هالند تعلق گرفت، این کشور نیز از چپاول و غارت مستعمرات خویش کوتاه نیامد و ثروت های زیادی به جیب زد.

قرن ۱۸ دوران انگلیس فرا میرسد که با نیرو های بحریه قوی که بدسترسش قرار میگیرد، رقبای اروپایی خویش را عقب زده، به غارت جهان می پردازد و با طلا و ثروتی که با هزاران حيله و نیرنگ از سایر کشور ها و به ویژه از هندوستان به دست می آورد، انقلاب صنعتی اش را بحیث مملکت اول در جهان به پیروزی رسانیده و با توان مندی نظامی و صنعتی که به دست می آورد به تصرف کامل هندوستان، استرالیا و کانادا پرداخته و با لشکر کشی های پیهمی که توأم با وصول به قساوت و خشونت بود، در سراسر جهان صاحب مستعمراتی گردید که گویند آفتاب در آن غروب نمی کرد و بدینوسیله سیلی از ثروت چپاول شده به سوی او ره کشید که او را در قرن ۱۹ صراف جهان نامیدند.

مهاجرت اروپاییان به قاره آمریکا و به ویژه انگلیس ها و غصب زمین های وسیع در آن دیار و قلع و قمع میلیونها بومی سرخپوست و صاحبان اصلی سرزمین، یکی از فاجعه بار ترین وقایع جهانی است که تاریخ آنرا در دل داغدارش ثبت کرده است.

شکار کردن سیاه پوستان افریقایی و انتقال فاجعه آمیز آنها که با مرگ بیشتر از نصف آنها منجر گردید ، برای فروش به آمریکا، نیز یکی از بیرحمی های ماجراجویان اروپایی است که تاریخ آنرا همیشه به یاد خواهد داشت .

بعد از قرن ۱۸ که تقریباً در بسیاری از کشور های اروپایی و آمریکای شمالی نظام های سرمایه داری رقابتی استقرار یافته بود به تقلا افتادند تا هر کشور برای فروش اموال صنعتی خویش بازار و برای فابریکه های خویش مواد خام ، دست و پا کنند که نتیجه این تقلا ها و رقابت های حرص آمیز دو جنگ اول و دوم جهانی را سبب شد که ده ها میلیون انسان را به کام مرگ برد و زیر ساخت های بسیاری از کشور ها به تخریب رفت و از هم فرو پاشید و هزاران بدبختی را نصیب مردم جهان نمود که سرانجام کشور های فاتح جنگ سازمانی را به نام ملل متحد پی ریزی کردند تا بحیث یک میانجیگر از وقوع همچو جنگ ها جلوگیری نماید . این سازمان که در سال 1945 م بعد از ختم جنگ جهانی دوم تأسیس گردید، دارای نهاد ها و ارکان مختلف میباشد که یکی از آنها نهاد حقوق بشر است که در دهم دسامبر 1948 اعلامیه جهانی اش را به خاطر شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان که اساس آزادی ، عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد، طی سی ماده تسجیل و به نشر رسانیده است .

در ماده اول میخوانیم:

« تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند ، همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند .»

در ماده سوم این اعلامیه میخوانیم :

« هر کس حق زنده گی ، آزادی و امنیت شخصی دارد .»

از نظر من کمیسیون حقوق بشر ملل متحد با تسجیل و تصویب سی ماده بی حقوق بشر که دو ماده آنرا بحیث نمونه در فوق نگاشته ام ، کار بزرگ و قابل تمجیدی انجام داده که مورد استقبال تمام بشریت قرار دارد ؛ ولی باید که نظام ها و حکومت ها در سطح جهانی به اجرای آن خود را مکلف دانسته و به رعایت آن بپردازند .

وقتی به استقرار جو حاکم در جهان ما با دقت نظر افکنیم ، دیده میشود که شرایط و وضع بی عدالتی و غارت و چپاول نسبت به زمان قبل از تأسیس ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر نه تنها کم نگردیده بلکه فزونی یافته و احکام اعلامیه حقوق بشر صرفاً در روی کاغذ باقی مانده است ، چرا ؟

زیرا که چرخ زنده گی و قدرت نظامهای سود و سرمایه به اساس سود ، انباشت سرمایه و استثمار وابسته بوده و این عناصر خصلت اصلی ، ذاتی و واقعی این نظامها را تشکیل میدهند و از جانبی هم اعلامیه حقوق بشر که آزادی و باهم زیستی انسانها را بدون هیچگونه تمایز ، حق زنده گی ، حق مصونیت ، حق آموزش و پرورش ، حق مالکیت ، حق کار و غیره حقوق بشری را تضمین میکند که با خصلت نظامهای استثمارگر در تضاد واقع میگردد ، چنین نظامها یا باید نظام استثماری و منافع اقلیت انحصار گران را حفظ کند و یا خود را به تطبیق و رعایت اعلامیه حقوق بشر مکلف بدانند که برایشان غیر ممکن است ؛ از اینرو اسناد ، قوانین ، اعلامیه ها و میثاق های بین المللی تا زمانی برای این نظام های استثمارگر اهمیت دارند که منافع ایشان را تأمین کرده بتوانند و یا از آن علیه کشور های دیگری که از فرمان این اربابان خود ساخته گیتی سرپیچی میکنند ، استفاده سو کرده بتوانند ؛ در عکس صورت پیشیزی برای شان اهمیت نخواهد داشت.

Tallsay.com

در حال حاضر برای برحق نشان دادن عملکرد های غیر قانونی و غیر انسانی خویش از سازمان ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر استفاده آزاری کرده و دست خود را از آستین این سازمان بیرون کشیده و قطعنامه های به نفع خود صادر کرده و با آن گوی جوامع دیگر را می فشارند و در حقیقت با زور عریان و بهانه ضرورت و یا حالت اضطرار اعلامیه حقوق بشر و سایر قوانین بین الدول را نقض میکنند .

تجاوز به عراق و غارت دارایی های آنکشور ، ویران کردن تمام زیر ساخت ها و چپاول موزیم های آن که نماد تمدن نه هزار ساله بوده است ، تجاوز به کشور لیبی و کشتن رئیس جمهور محبوب آنکشور و کشتن هزاران انسان بیگناه ، تجاوز به سوریه ، تاسیس پایگاه های نظامی و خلاف میل مردم و اشغال چشمه های نفتی آنکشور ، سازماندهی کودتا ها در کشورهایی که نظامهای نسبتاً مردمی داشته و خود را به اطاعت از نظامهای استثمارگر امپریالیستی مجبور ندانسته و در پی تأمین منافع کشور شان هستند ، کجایش به رعایت اعلامیه حقوق بشر می ماند ؟

- تهدید رئیس جمهور ونزوئلا و فرار دادن رئیس جمهور بولیوی از کشورش به گناه تأمین یک لقمه نان به دسترخوان مردمان بی بضاعتش و کوشش در جهت بهروزی مردمش ، چه نسبتی به رعایت حقوق بشر پیدا میکند ؟

- حمله و تجاوز به افغانستان و بمباردمان ملکی و کشتن هزاران انسان بیگناه طی مدت نژده سال ، به قدرت رسانیدن اشخاص گمنام و نامأنوس در رأس قدرت دولتی به بهانه مبارزه با تروریسم (در حالیکه پایگاه اصلی تروریسم در پاکستان قرار دارد) کجایش به رعایت اعلامیه حقوق بشر می ماند ؟

اکنون راجع به رعایت اعلامیه حقوق بشر در افغانستان :

جهانیان آگاه اند که چهل و سه کشور و سازمان نظامی ناتو با تمام ساز و برگش به افغانستان آمده تا علیه تروریسم؟! به مبارزه دست یازند؛ ولی در این نوزده سال آزرگار نه تنها که شر تروریسم از سر مردم بدبخت افغانستان کم نشد؛ بلکه هر سالی که گذشت این تروریست ها نیرومند تر و قوی تر گردیده، متنوع شده و جان هزاران انسان بیگناه اعم از طفل، زن، مردان کهنسال و مردان نان آور را گرفتند و تالابی از خون بیگناهان راجاری نگهداشتند.

در این سالها کسانی را که در رأس دولت و حکومت قرار دادند، ایشان لحظه ای هم به خاطر مصوونیت و حقوق اتباع کشور تشویبی بخود راه نداده و پیوسته در پی جمع کردن ثروت و دست یافتن به قدرت و حفظ آن در مبارزه بودند.

از برکت؟! مبارزه علیه تروریسم، فساد اداری، فساد اخلاقی، کشت و قاجاق مواد مخدر، چور شدن معدنیات کشور، معتاد شدن بیشتر از سه ملیون انسان به مواد مخدر نهادینه گشته و زورمندی ظهور کردند که از هیچ نوع تجاوز به مال، دارایی، ناموس و حیثیت مردم دریغ نکردند.

اعلامیه حقوق بشر همه جوانب دخیل در جنگ را مکلف میسازد تا به کرامت انسانی، حقوق و آزادی های بنیادین بشری احترام گذارند؛ ولی هم ناتو و هم تروریست ها از این خط عبور کرده و به آن ارزشها اهمیتی قابل نگریدند، با آنکه دولتهای افغانستان و همچنین قوتهای ناتو در این مدت بارها تعهد خود را برای مکلفیت های بین المللی در زمینه تأمین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی به مردم افغانستان ابلاغ کردند؛ اما در عمل همیشه این حقوق و آزادیها را نقض کرده اند. دولت افغانستان به عوض آن که پروسه عدالت انتقالی و محاکمه جنایتکاران جنگی، مبارزه با فساد اداری و ایجاد زمینه کار را طور عادلانه حل و فصل کند؛ برعکس قاتلان مردم افغانستان را با هموار کردن قالبین سرخ، استقبال کرده و بودجه هنگفتی را از پول بیت المال بدسترس شان قرار داده و زمینه کاندیدای آنها را به ریاست جمهوری مساعد ساختند.

امروزه روز بغیر از چند نفر ارگ نشین، زورمندان محافظت شده در بین دیوارهای کانکریتی و خیلی از محافظان مسلح، هیچ تبعه افغانستان احساس مصوونیت نداشته و باور ندارند که عصرها دوباره بعد از فراغت از کار شان به خانه بر میگرددند. قشر انانث و اطفال یعنی آسیب پذیر قشر جامعه از تجاوز جنسی در امان نیستند، تازه فقط چند روز قبل از طریق تلویزیون طلوع به اطلاع عام رسانیده شد که بر ۵۵۰ طفل معصوم مکاتب در لوگر تجاوز جنسی شده است. همچنان از این تلویزیون شنیده شد که بیشتر از چهار ملیون طفل معصوم وطن در حالیکه از درس باز مانده اند یا به تگدی مشغول اند و یا بخاطر بدست آوردن لقمه نانی برای خود و فامیل محتاج شان مصروف شاق ترین کارهایی که از توان یک طفل بالاست در مقابل پول ناچیز دست می یازند، در حالیکه ماده ۲۶ حقوق بشر آموزش و پرورش را حق هر کس میدانند.

- کشته شدن هزاران تن ملکی در نتیجه حملات انتحاری، بم های کنار جاده و بمباردمانهای کور دولت و قوت های ناتو فقط با تقبیح از جانب دولت و تأسف قوت های ناتو پایان می پذیرد.

کشته شدن 45 هزار نظامی بیگناه در مدت اقتدار اشرف غنی در اثر بی مبالاتی و غفلت دولت یکی از فاجعه بارترین نقض حقوق بشر میباشد.

- رهایی بیش از نه صد طالب و قاتلان واضح و روشن مردم افغانستان به بهانه صلح از زندان که در میدانهای جنگ به قیمت ریختن خون ده ها نظامی سرسپرده دستگیر گردیده بودند، نقض آشکار و صریح حقوق بشری است.

ده ها مطلب جنایت بار دیگر نیز وجود دارد که ناقض حقوق بشر بوده و من برای آنکه موضوع طولانی نشود از آن صرف نظر کرده، قابل تذکر میدانم که نه دولت و نه نیروهای خارجی و نه طالبان حق ندارند که بر سر ارزشهای حقوقی مردم افغانستان معامله کنند.

در اخیر و فرجام سخن باید گفت که :

بر جوانان رسالتمند، اشخاص ملی، نیروهای چپ، جامعه مدنی، روشنفکران، رسانه های آزادیخواه و کلیه ترفیخواهان و عدالت پسندان جامعه افغانی دین بزرگی خواهد بود تا با یک صدا و یک دست برای احقاق حقوق حقه و تسجیل شده در اسناد، قوانین بین المللی، اعلامیه حقوق بشر و قانون اساسی کشور چنان برزمند که از جانب هیچ نیرویی به نقض مواجه نگردد.